

تحلیلی نو در طبقه‌بندی شخصیت‌های داستان گشتاسپ بر مبنای الگوی شاخص و وضعیت رحیم‌خانی سامانی

شکوه فورجانی‌زاده^۱، محبوبه خراسانی^۲، مرتضی رشیدی^۳

چکیده

شخصیت محوری‌ترین عنصر هر داستان به شمار می‌آید و یکی از راههای درک صحیح داستان شناخت درست شخصیت است. شاهنامه فردوسی، بزرگ‌ترین اثر حماسی ادب فارسی نگاهی ژرف و عمیق به رویدادها و شخصیت‌های گوناگون دارد و با توجه به زمان و مکان نامحدود، حوادث و رویدادهای فراوانی را ترسیم کرده است. این پژوهش بر آن است، از دیدگاهی متفاوت با استفاده از الگوی «شاخص و وضعیت» الگوی نویافته و ابداعی رحیم‌خانی سامانی در رساله دکتری خویش به راهنمایی محمد حکیم‌آذر به بررسی شخصیت‌های داستان گشتاسپ بر مبنای توصیف دقیق و استقرار تام شخصیت بدون توجه به روایت و ساختار داستان بپردازد. نتایج حاصل از یک‌سو کارایی و سنجش الگوی «شاخص و وضعیت» را مشخص نموده است و از سوی دیگر، پژوهشی متفاوت در زمینه شخصیت‌شناسی شاهنامه فردوسی در ساختار شاخص‌های نام، بوم، نوع، جنس، سن، طبقه، باور، خلق و فرجام با وضعیت‌های متفاوت به جامعه ادبی ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ریخت‌شناسی، شخصیت، شاهنامه، الگوی شاخص و وضعیت.

^۱دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
Shokooh_forjanizade@yahoo.com
^۲دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
najafdan@gmail.com

^۳استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

مقدمه

شاهنامه مهم‌ترین و معتبرترین سند اسطوره‌های حماسی و تاریخی است که افراد زیادی با ویژگی‌های خاص فردی در آن ایفای نقش می‌کنند و در برابر حوادث، واکنش‌ها و رفتارهای مطابق با شخصیت خود بروز می‌دهند. فردوسی از عنصر شخصیت با آگاهی و توانایی در اثر خود استفاده کرده است و با چیرگی تمام ابعاد مختلف وجودی اشخاص را در شخصیت‌های داستانی خود مشخص می‌نماید. در شاهنامه موقعیت‌شناسی و توجه فراوان به ویژگی‌های شخصی و کنشی همراه با توصیف از جزء جزء چهره‌ها، صحنه‌ها و وقایع متناسب با موضوع حماسه به تصویر کشیده شده است. فردوسی با مهارت هر شخصیت را با داستان و ویژگی‌های خاص خود وارد صحنه می‌کند و حوادث داستانی شاهنامه بر اساس تقابل‌های دوگانه به وجود می‌آید. شاهنامه با همه عظمت فراتاریخی و فرامکانی خود انعطافی دارد که می‌توان آن را با روش‌های نوین نقد ادبی و با استفاده از دیدگاه‌های جدید ریخت‌شناسی از زاویه‌های مختلف مورد بررسی و نگرش قرار داد. روش‌های نوین نقد ادبی و ساختارگرایی با هدف رسیدن به شناسایی بهتر از آثار و شناخت مؤلفه‌های اصلی و محوری در شکل‌گیری موضوعات جدید و تحلیل متون ادب فارسی سهم اثرگذاری داشته است.

پیشینه پژوهش

نقد ساختارگرایی در پژوهش‌های ایرانی در حوزه آثار کلاسیک و معاصر در ادب پارسی قدمت چندانی ندارد و نگارش مقاله با عنوان تحلیل ریخت‌شناسی و ساختارگرایی از سال‌های اخیر در متون نظم و نثر فارسی انجام شده است. کاریست نظریه ریخت‌شناسی پراپ در متن حماسی شاهنامه در داستانهای کاوس، هفت‌خان رستم، بیژن و منیژه، شغاد، زال و رودابه، گشتاسپ و کتیون، ضحاک، سیاوش، کی‌خسرو، قصه‌های عاشقانه، قصه دیوان و جنگ مازندران و سایر داستان‌ها در قالب کتاب، پایان‌نامه، رساله و مقاله نگارش شده است. همچنین پژوهش‌های متعددی به بررسی «شخصیت» به عنوان یک عنصر مهم در شاهنامه فردوسی در زمینه‌های متفاوت مانند بررسی ویژگی‌های شخصیتی پهلوانان شاهنامه، تحلیل شخصیت زنان، تطبیق شخصیت‌ها با انبیاء بنی‌اسرائیل و حاکمان، تحلیل‌های روانشناسی بر پایه مکتب فروید، نظریه خود شکوفایی آبراهام مزلو، نظریه پیرسون — کی مار، نظریه تحلیلی یونگ، نظریه ماکس وبر و دیگر رویکردها انجام شده است.

در این پژوهش، ریخت‌شناسی قصه یا افسانه‌ها صورت نمی‌گیرد و هدف ریخت‌شناسی از شخصیت‌های قصه بدون توجه به شگردهای روایت و ساختار داستان‌پردازی بر مبنای الگوی «شاخص و وضعیت» است، یک الگوی نویافته و تازه ارائه شده در حوزه نقد ریخت‌شناسی که تنها پژوهش انجام شده در این زمینه پژوهش رحیم خانی سامانی؛ حکیم‌آذر؛ نیکخواه (۱۳۹۶)،

«ریخت‌شناسی شخصیت‌های حکایت‌علاءالدین ابوشامات از هزارویک‌شب بر مبنای الگوی شاخص و وضعیت» در مجله متن‌شناسی ادب فارسی دانشگاه اصفهان است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در کاربست نظریه‌های غربی در متون فارسی به جز تعداد محدودی از آثار که ریخت‌شناسی را به روش واقعی و منطبق با الگوهای موجود به کار بردند، بسیاری از پژوهشگران دچار آسیب‌هایی چون عدم درک درست از نظریه، تحمیل نظریه بر متن و انتخاب نادرست، بی‌توجهی به هدف و بستر نظریه، ساده‌سازی الگو، تغییر و کاربرد نظریه شخصی در خویشکاری‌ها، نتیجه‌گیری بی‌ارتباط و تکرار روش و استفاده از نتایج پژوهش‌های پیشین شدند و راه را به بیراهه رفتند (نک. فورجانی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۸). با وجود این، زمان آن رسیده که برای شناخت بهتر و بیشتر از بسترهای فرهنگی و ادبیات داستانی به استفاده از الگوهای بومی و ایرانی و کاربرد نظریه پژوهشگران داخلی بپردازیم. در این میان روش کار رحیم‌خانی سامانی که بدون توجه به کنش و ساختار داستان به ریخت‌شناسی شخصیت‌ها در اثر پرشخصیتی چون هزارویک‌شب پرداخته، دریچه‌ای تازه در سال‌های اخیر بر روش طبقه‌بندی شخصیت گشوده است. الگوی ابداعی شاخص و وضعیت به تأسی از روش کار پراپ و گریماس قادر است، سامان ساختارمندی به شخصیت‌های متون ادبی بیخشد. این مقاله از نظر بررسی بر مبنای الگوی آماری شاخص و وضعیت دومین تجربه و باب تازه‌ای در تحقیقات علمی است.

مبانی نظری پژوهش

تعریف شخصیت

منظور از شخصیت، افراد داستان هستند که عمل با حضور آنها به وجود می‌آید و مکان و زمان به خاطر فعالیت آنها مفهوم پیدا می‌کند. بسیاری از صاحب‌نظران شخصیت را مهم‌ترین عنصر داستان دانسته‌اند، آلپورت می‌گوید: «شخصیت سازمان پویایی از سیستم‌های روانی — تنی فرد است که رفتارها و افکار خاص او را تعریف می‌کند» (راس، ۱۳۷۳: ۱۸). یونسو معتقد است: «مهم‌ترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است و شخصیت عبارت است، از مجموعه غرایز و تمایلات و صفات و عادات فردی، یعنی مجموعه کیفیت مادی و معنوی و اخلاقی که فرآیند عمل مشترک طبیعت اساسی و اختصاصات موروثی و طبیعت اکتسابی است و در کردار و رفتار و گفتار و افکار فرد جلوه می‌کند و وی را از دیگر افراد متمایز می‌سازد» (۱۳۸۴: ۲۸۹). براهنی عقیده دارد: «شخصیت عاملی محوری است که تمامیت قصه بر مدار آن می‌چرخد. کلیه عوامل دیگر، عینیت، کمال، معنا و مفهوم و حتی علت وجودی خود را از عامل شخصیت کسب می‌کند» (۱۳۹۳: ۲۴۲).

آبرامز در تعریف شخصیت گفته است: «شخصیت‌ها افرادی هستند که در یک نمایش‌نامه یا اثر روایتی دارای ویژگی اخلاقی و آگاهانه پیش شناخته‌اند. این ویژگی‌ها در گفتار و عملشان نشان داده می‌شود و انگیزه و زمینه‌ای که نویسنده می‌سازد، حالت و طبیعت اخلاقی شخصیت را برای گفتار و عمل تشکیل می‌دهد» (۱۳۹۴: ۲۲). با این وجود در هر داستان و حکایت حضور شخصیت موجب دگرگونی و پیدایش حوادث و اهداف است و داستان چیزی جز تکامل و تغییر اشخاص داستان در طول زمان نیست. «نویسنده شخصیت‌ها را به گونه‌ای ارائه می‌کند که خودشان حرف بزنند و رفتار کنند تا از طریق خواننده شخصاً به خلیات و انگیزه شخصیت‌ها که در پس رفتار و گفتارشان وجود دارد، وقوف یابد. نویسنده ممکن است علاوه بر گفتار و اعمال ظاهری شخصیت، اندیشه‌ها، احساسات و واکنش او به وقایع را نیز به تصویر بکشد» (همان: ۴۵).

پیشینه شخصیت‌شناسی

شخصیت و ویژگی‌های معرف رفتار یک شخص است. خصلت‌هایی شامل اندیشه، احساسات، طرز فکر، ادراک شخص از خود و بسیاری عادات دیگر. اصطلاح ویژگی شخصیتی به جنبه خاصی از کل شخصیت آدمی اطلاق می‌شود که قابل بررسی، تحلیل و مقایسه باشد. در اثر روایتی یا نمایشی، شخص فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او، در عمل او و آنچه می‌گوید و می‌کند وجود داشته باشد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۸۴). ارسطو در فن شعر خود به تحلیل و بررسی شخصیت در تراژدی پرداخته و ویژگی‌هایی برای آن ذکر کرده است. بررسی ارسطو نخستین بررسی در تحلیل شخصیت داستانی است. ارسطو شخصیت‌های نمایشی را افرادی می‌داند که از اعمال قهرمانان واقعی تقلید می‌کنند تا باعث خیال‌انگیزی تماشاکننده شوند. او از یک دیدگاه شخصیت را به خوب و بد تقسیم می‌کند و خاطر نشان می‌کند که عمل و رفتار و کردار همه افراد تحت تأثیر ویژگی خوب یا بد بودن آنهاست (۱۳۳۷: ۴۷). در همین دوره نخستین مجموعه اصلی مطالعه شخصیت‌ها، کتاب شخصیت‌های پرهیزگار و گناه‌کار در سال ۱۶۰۸ و شخصیت‌های سرتوماس آربری در سال ۱۶۱۴ چاپ شد. این کتاب‌ها بر آثار بعد از خود در زمینه‌های تاریخ، مقاله و داستان تأثیر شگرفی داشتند. در این دوره موضوع شخصیت‌شناسی در سه بعد افراد اجتماع را بررسی می‌کردند:

۱. نوع فردی: مثل مرد خودبین، آدم کودن؛

۲. نوع اجتماعی: مثل عتیقه فروش، پیشخدمت هنرستان؛

۳. مکان یا صحنه و افراد آن: میخانه‌ها و میدان و افراد آن‌ها (کادن، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

در قرن هفدهم مطالعه شخصیت به اوج خود رسید و حتی نوع ادبی تازه‌ای به وجود آمد که به آن «چهره سازی» می‌گفتند. در این زمان قیافه شناسی و تحلیل شخصیت افراد از مطالعه چهره آنان در محافل ادبی و روشنفکری بسیار رایج بود و رسم این بود که نویسنده خصوصیات روحی و جسمی افراد معروف را به تفصیل و با ذکر جزئیات می‌نوشت و در جلسات ادبی می‌خواند (عبداللهیان، ۱۳۸۰: ۵۵). از اواخر قرن هجدهم آرام آرام انسان در مرکز توجه قرار گرفت و انسان‌مداری جایگاه ویژه‌ای یافت. نویسندگانی چون فلوربر و جورج الیوت و داستایوفسکی به شخصیت توجه خاصی کردند و نویسندگان بزرگ دیگر هر کدام بر اساس سلیقه و تجربه خود به شیوه خاصی که ترجیح می‌دادند اقدام به ساختن شخصیت می‌کردند. سیر زمان و مکتب‌های ادبی رایج نیز در آفرینش شخصیت‌ها و نحوه برداشت و تلقی از شخصیت بی‌تأثیر نبود (همان: ۵۶). شخصیت و شخصیت شناسی همچنان تا دوران حاضر تحول یافت و نویسندگان قرن بیستم میراث ارزشمند بازماندگان را به اوج خود رساندند.

شیوه‌های شخصیت‌پردازی

شیوه‌های شخصیت شناسی و شخصیت‌پردازی در داستان متعدد است. نویسنده با توسل به جنبه‌های مختلف شخصیت، او را به خواننده معرفی می‌کند، شخصیت داستانی مانند یک انسان واقعی دارای ابعاد متفاوتی است که از طریق گفتار، رفتار و ظاهر شناخته می‌شود. شناسایی و پردازش شخصیت به چند طریق انجام می‌شود که هر کدام یک جهت و یک سو از ابعاد شخصیت را نشان می‌دهد.

شخصیت‌پردازی مستقیم

در ارائه مستقیم نویسنده به طور مستقیم با طبقه‌بندی و تشریح به ما می‌گوید که شخصیت شبیه چیست؟ در این روش نویسنده درباره شخصیت خود به طور صریح نظر می‌دهد: «او عادل است، هیچ حسادتی ندارد.» در این روش نویسنده با کلی‌گویی، تعمیم دادن و تیپ سازی فرد مورد نظر خود را به خواننده معرفی می‌کند (عبداللهیان، ۱۳۸۰: ۶۶-۶۷).

شخصیت‌پردازی غیرمستقیم

در روش غیرمستقیم رفتار شخصیت نشان دهنده اعمال اوست و زاویه دید راوی محدود است. برای شخصیت‌پردازی غیرمستقیم از این عوامل می‌توان سود جست: ۱. کنش؛ ۲. گفتار؛ ۳. نام؛ ۴. محیط؛ ۵. وضعیت ظاهری. (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱). میرصادقی با التقاطی از این دو نظریه برای تقسیم‌بندی شخصیت نوع سومی نیز بیان کرده است. تقسیم‌بندی او به این شرح است: «۱. ارائه

صریح شخصیت‌ها با یاری گرفتن از شرح و توضیح مستقیم؛ ۲. ارائه شخصیت از طریق عمل شخصیت، با کمی شرح و تفسیر یا بدون آن؛ ۳. ارائه شخصیت بی‌تعبیر و تفسیر» (۱۳۸۵: ۱۸۷).

شخصیت عنصری است که هستی همه عناصر دیگر وابسته به آن است. در هر داستان به طور کلی دو نوع شخصیت وجود دارد، شخصیت اصلی که محور حوادث داستانی است و شخصیت‌های فرعی که جهت پررنگ کردن شخصیت اصلی وارد می‌شوند و پس زمینه داستان را تشکیل می‌دهند.

معرفی الگوی شاخص و وضعیت

| ردیف | شاخص | شناسه | تعداد وضعیت | وضعیت و شناسه |
|------|--------------|-------|-------------|--|
| ۱ | نام‌شناسی | A | ۵ | لقب[1]؛ نام[2]؛ نام و لقب[3]؛ شغل[4]؛ توضیح یا نسبت[5] |
| ۲ | زادبوم‌شناسی | B | ۹ | چین و ماچین[1]؛ هند[2]؛ ایران[3]؛ عراق[4]؛ شام[5]؛ مصر[6]؛ فرنگ[7]؛ دیگر[8]؛ نامعلوم[9] |
| ۳ | شمایل‌شناسی | C | ۳ | زیبا[1]؛ زشت[2]؛ بدون توضیح[3] |
| ۴ | نوع‌شناسی | D | ۴ | انسان[1]؛ حیوان[2]؛ دیو و جن و...[3]؛ جادویی[4] |
| ۵ | جنس‌شناسی | E | ۳ | مؤنث[1]؛ مذکر[2]؛ نامعلوم[3] |
| ۶ | سن‌شناسی | F | ۷ | کودک[1]؛ نوجوان[2]؛ جوان[3]؛ میان‌سال[4]؛ پیر[5]؛ در چند دوره زندگی[6]؛ نامعلوم[7] |
| ۷ | طبقه‌شناسی | G | ۱۰ | پادشاهان و حاکمان[1]؛ رجال حکومتی[2]؛ کارگزاران حکومتی[3]؛ تاجران و بازرگانان[4]؛ پیشه‌وران و مباحثران[5]؛ عیاران و جوانمردان[6]؛ عابدان و زاهدان[7]؛ کنیزان و غلامان[8]؛ راهزنان و دزدان[9]؛ طبقات دیگر[10] |
| ۸ | کنش‌شناسی | H | ۱۰ | بسترسازی[1]؛ فرماندهی[2]؛ ماجراجویی[3]؛ یاریگری[4]؛ غفلت[5]؛ نافرمانی[6]؛ شرارت[7]؛ فرمانبری[8]؛ نظاره‌گری[9]؛ روایتگری[10] |
| ۹ | باورشناسی | K | ۴ | با اشاره‌راوی[1]؛ با اشاره شخصیت[2]؛ با کنش و گفتار شخص[3]؛ بدون باور[4] |
| ۱۰ | حُلق‌شناسی | M | ۴ | پسندیده[1]؛ ناپسندیده[2]؛ پسندیده و ناپسندیده[3]؛ بدون حُلق[4] |
| ۱۱ | فرجام‌شناسی | N | ۳ | خیر[1]؛ شر[2]؛ بدون فرجام[3] |

الگوی «شاخص و وضعیت» الگوی ابداعی بومی و ایرانی احمد رحیم‌خانی سامانی (۱۳۹۵) در رساله وی به راهنمایی محمد حکیم‌آذر است. در این رساله شخصیت‌های جلد یکم تا چهارم هزارویک‌شب با بهره‌گیری از الگوی طراحی شده پژوهشگر با نام «شاخص و وضعیت» ریخت‌شناسی شده است. این الگوی نظام شنا سه‌گذاری ابداعی ساده و کارآمد است که برای ریخت‌شناسی شخصیت روشی بر مبنای توصیف دقیق و استقرار تام شخصیت‌ها ارائه می‌نماید. نگارنده اثر در ریخت‌شناسی هزارویک‌شب، با تمرکز بر شناخت شخصیت‌های کتاب، یازده شاخص (*Indicator*) در الگوی خود استخراج کرده است. این شاخص‌ها برای تجزیه و تحلیل ارقامی و استخراج نتایج ساختاری لازم، در چند وضعیت (*Status*) تعریف شده قرار می‌گیرد که شاخص‌ها و وضعیت‌ها قابل افزایش و کاهش هستند و بر اساس آنها کار ریخت‌شناسی انجام می‌شود.

رویکرد این الگو از نظر ماهیتی به نگاه ساختارگرایانی چون پراپ و گریماس نزدیک است، اما طرح و الگوی استفاده شده با روش آنها تفاوت آشکاری دارد. تفاوت عمده این روش با پژوهش‌های ریخت‌شناسی در نقد ساختارگرایان غربی در این است که این الگو شخصیت‌های حکایت‌ها را ریخت‌شناسی می‌کند، نه خود حکایت و افسانه‌ها را و از نظر روش نیز با شیوه‌های موجود متفاوت است. در نظریه پراپ، داستان بر مبنای کنش و فعالیت افراد بررسی می‌شود و انجام‌دهندگان، اشیاء و چیزهای وابسته به آنان در نوع و تعیین خویشکاری دخالتی ندارند، ولی به دلیل توزیع خویشکاری‌ها در میان اشخاص قصه و از آنجا که هیچ کنشی فاقد عامل و انجام‌دهنده آن در نظر گرفته نمی‌شود، هفت دسته شخصیت بر اساس خویشکاری‌های تعریف شده مشخص می‌شود (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷۰). در این روش مراد از ریخت‌شناسی شخصیت‌ها، بررسی صفات و خصایص ظاهری افراد مانند سن، جنس، مقام، ظاهر و جزئیات است. خلاصه شاخص‌های یازده‌گانه در روش ریخت‌شناسی هزارویک‌شب به این شرح است: (رحیم‌خانی سامانی، ۱۳۹۶: ۱۰۳).

شیوه شناسه‌گذاری حکایات و شخصیت‌ها

رحیم‌خانی سامانی در طبقه‌بندی حکایت‌ها و شخصیت‌های هزارویک‌شب، مهم‌ترین ملاک بررسی شخصیت‌ها را کنش‌مندی (*Functionality*) آنها تعیین کرده است و از شخصیت‌هایی که در داستان در حد نام و نشان یاد می‌شود گذشته است. وی اقدام به شناسه‌گذاری (*Coding*) تمام داستان‌های اصلی و فرعی کرده است و «عدد 1001» را به عنوان کد مشترک تمام داستان‌ها انتخاب کرده، سپس با عددگذاری از 1 تا 8 هر حکایت و شخصیت، به ریخت‌شناسی هر شخصیت بر اساس الگو پرداخته است.

به عنوان مثال، شناسه‌گذاری ریخت‌شناسی شخصیت «همسر شمس‌الدین» در قصه «علاء‌الدین ابوشامات» (1001-4-1/2) به قرار زیر است:

- 1001-4-1/2: A5- B6- C3- D1- E1- F6- G4- H1/4/6/8 -K3- M3- N1 .

و تفسیر ریخت‌شناسی این شخصیت بر اساس جدول الگو چنین است:

1001-4-1/2): همسر شمس‌الدین دومین شخصیت از نخستین داستان جلد چهارم هزارویک‌شب است (: 1001 کد مشترک تمامی داستان‌های هزارویک‌شب: 4 شناسه جلد کتاب؛ 1: شناسه داستان و 2: شناسه شخصیت داستان) و:

A5: بدون نام است؛ B: زادبوم او مصر است؛ C3: درباره شمایلش توضیحی وجود ندارد؛ D1: از نظر نوع انسان است؛ E1: مؤنث است؛ F6: داستان چند دوره زندگی او را در بر می‌گیرد؛ G4: در طبقه تاجران و بازرگانان است؛ H1: 4/6/8: کنش‌های او شامل بستر سازی، یاریگری، غفلت و فرمان‌بری است؛ K3: خودش با گفتار و رفتار به باورهایش اشاره می‌کند؛ M3: خلق پسندیده و ناپسند دارد؛ N1: در پایان قصه فرجامش خیر است (رحیم‌خانی سامانی، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

وی پس از ریخت‌شناسی شخصیت‌های هر حکایت، برای درک بهتر از شناسه‌های ریخت‌شناسی، بخشی به عنوان گزارش بسامدی داده‌های الگوی «شاخص و وضعیت» با توجه به درصدهای مربوط به وضعیت‌های پیشینه و کمینه هر شاخص ارائه نموده است. نگارنده بر اساس میزان تکرار یک وضعیت در شاخص مربوط در حکایت، آمارگیری‌های بسامدی و درصدی را بر مبنای سه عدد اصلی مربوط به تعداد شخصیت‌ها، تعداد حکایات و تعداد کنش‌ها انجام داده است، نتیجه درصدی گزارش‌ها، بسامدهای بالا (Max) و پایین (Min) و نیز برهم‌خوردن تعادل (Balance) هر یک از شاخص‌ها و وضعیت‌های هر شخصیت را مشخص و رابط‌های معنادار میان آنها را بیان می‌کند. از آن جا که این سه عدد اصلی، در هر داستان معین و مشخص است، نتایج به دست آمده قابل اعتماد و قابل بهره‌برداری است.

شاهنامه و تغییرات الگوی شاخص و وضعیت

با توجه به اهمیت شخصیت و نقش پایه‌ای آن در توسعه و پیشبرد حوادث و طرح داستان‌های شاهنامه و دقت نظر فردوسی در خلق شخصیت و توصیف اعمال پهلوانی، مردانگی‌ها، افتخارات و بزرگی‌های قومی یا فردی این اثر و با وجود این که عمده بررسی‌های انجام شده از شخصیت‌های شاهنامه بر

اساس عناصر داستان نویسی، ادبیات نمایشی، شخصیت‌پردازی‌های مثبت و منفی، شخصیت‌های ضداجتماعی، اختلالات رفتاری، نقد و انطباق با الگوهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی غربی است، هدف از این بررسی شناخت بهتر از شخصیت‌های داستانی شاهنامه به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر روایتی با بهره‌گیری از یک الگوی بومی و ایرانی است که نتایج آن به صورت داده‌های کمی با جدول و نمودارهای آماری تفسیر می‌شود. برای این منظور شناسه *SH* به عنوان کد مشترک تمامی داستان‌های شاهنامه مشخص شد. بدیهی است در بررسی و اجرای این الگو بر شاهنامه فردوسی در وضعیت شاخص‌های زادبوم‌شناسی، شمایل‌شناسی، طبقه‌شناسی و کنش‌شناسی بر اساس جغرافیای شاهنامه، طبقه‌بندی نظام اجتماعی شاهنامه و برخی کنش‌های خاص شاهنامه تغییراتی لازم است که در جدول زیر مشخص می‌شود:

| ردیف | شاخص | شناسه | تعداد وضعیت | وضعیت و شناسه |
|------|--------------|-------|-------------|--|
| ۱ | نام‌شناسی | A | ۵ | لقب [1]؛ نام [2]؛ نام و لقب [3]؛ شغل [4]؛ توضیح یا نسبت [5] |
| ۲ | زادبوم‌شناسی | B | ۱۳ | ایران [1]؛ توران [2]؛ روم [3]؛ سیستان [4]؛ کابل [5]؛ سمنگان [6]؛ هاماوران [7]؛ مازندران [8]؛ خراسان [9]؛ یمن [10]؛ نامعلوم [11]؛ عربستان [12]؛ دیگر [13] |
| ۳ | شمایل‌شناسی | C | ۴ | زیبا [1]؛ زشت [2]؛ تومند و پهلوان [3]؛ بدون توضیح [4] |
| ۴ | نوع‌شناسی | D | ۴ | انسان [1]؛ حیوان [2]؛ دیو و جن و... [3]؛ جادویی [4] |
| ۵ | جنس‌شناسی | E | ۳ | مؤنث [1]؛ مذکر [2]؛ نامعلوم [3] |
| ۶ | سن‌شناسی | F | ۷ | کودک [1]؛ نوجوان [2]؛ جوان [3]؛ میان‌سال [4]؛ پیر [5]؛ در چند دوره زندگی [6]؛ نامعلوم [7] |
| ۷ | طبقه‌شناسی | G | ۱۰ | پادشاه [1]؛ شاهزاده [2]؛ شاهدخت [3]؛ شهبانو [4]؛ پهلوان [5]؛ وزیر [6]؛ سردار حکومتی [7]؛ جنگاوران [8]؛ موبدان [9]؛ طبقات دیگر [10] |
| ۸ | کنش‌شناسی | H | ۱۱ | بس‌ترساز [1]؛ فرماندهی [2]؛ ماجراجویی [3]؛ یاریگری [4]؛ غفلت [5]؛ نافرمانی [6]؛ شرارت [7]؛ |

| | | | | |
|--|---|---|-------------|----|
| فرمانبری [8]؛ جنگاوری [9]؛ فرزندآوری [10]؛ پیام‌رسانی [11] | | | | |
| با اشاره راوی [1]؛ با اشاره شخصیت [2]؛ با کنش و گفتار شخص [3]؛ بدون باور [4] | ۴ | K | باورشناسی | ۹ |
| پسندیده [1]؛ ناپسندیده [2]؛ پسندیده و ناپسندیده [3]؛ بدون خلق [4] | ۴ | M | خلق‌شناسی | ۱۰ |
| خیر [1]؛ شر [2]؛ بدون فرجام [3] | ۳ | N | فرجام‌شناسی | ۱۱ |

پادشاهی گشتاسپ

لهراسپ تخت شاهی را به پسر سپرد و خود به نوبهار بلخ رفت و مقیم عبادت‌خانه شد. گشتاسپ به جای پدر بر تخت سلطنت تکیه زد و تاج شاهی بر سر نهاد. گشتاسپ از کتابیون دختر قیصر روم دو پسر داشت.

یکی نامور فرخ اسفندیار
 پشوتن دگر گرد شمشیر زن
 شه کارزاری نبرده سوار
 شه نامبردار لشکر شکن
 (فردوسی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۳۳-۳۲/۶۷)

چندی گذشت، زردشت کشنده آهرمن و آورنده دین بهی نزد گشتاسپ شاه آمد و خود را فرستاده خدای معرفی کرد، گشتاسپ، زیر و لهراسپ شاه، دین بهی را پذیرفتند. روزی زردشت پیامبر بر گشتاسپ به خاطر این‌که به دربار ارجاسپ خراج می‌فرستد، خرده گرفت. گشتاسپ شاه سخن زردشت را پذیرفت و دستور داد، دیگر باج از ایران به توران فرستاده نشود. تزه دیوی از این ماجرا آگاه شد و برای شاه خبر برد. ارجاسپ سخن دیو را شنید و اندوهناک شد و تصمیم گرفت، نامه‌ای برای شاه ایران بنویسد و از او بخواهد که:

مر او را بگویی کزین راه زشت
 مر آن پیر ناپاک را دور کن
 بگرد و بترس از خدای بهشت
 بر آیین ما بر یکی سور کن
 (۱۲۰-۱۱۹/۷۳)

نامه را بیدرفش و نامخواست دو سردار ارجاسپ نزد گشتاسپ بردند و جاما سپ نامه را برای شاه خواند، شاه و اطرافیان او از آن نامه سخت خشمگین شدند و گفتند:

به شمشیر جان از تنش بر کنیم
سرش را بدار برین بر کنیم
(۷۹/۲۰۹)

ارجاسپ به جمع‌آوری سپاه پرداخت و روی به ایران آورد. گشتاسپ نیز لشکری گردآوری کرد و همه را به ساز رزم مجهز گردانید و به سوی توران در حرکت آمدند. جنگ آغاز شد، اردشیر، شیرو، شیدسپ و گرامی به تیر ترکان کشته شدند. دو هفته جنگ گروهی ادامه داشت، زیر به میدان آمد و بسیاری از بزرگان را به خاک افکند. بیدرفش مبارزه با زیر را پذیرفت.

جهان پهلوان آن زیر سوار
سواران ترکان بکشتند زار
سر جادوان جهان بیدرفش
مر او را بیفگند و برد آن درفش
(۱۰۶/۶۰۳-۶۰۴)

به ستور و اسفندیار به انتقام خون سپاهیان ایران و زیر به میدان تاختند و بیدرفش را از پای در آوردند. شاه توران توان مقاومت در سپاه خود ندید و رو به گریز نهاد. پس از پایان جنگ گشتاسپ شاه به اسفندیار تاج زرین بخشید و گفت:

برو گفت و پا را بزین اندر آر
همه کشتورت را به دین اندر آر
(۱۲۲/۸۲۹)

جهان چندی در آرامی بود تا سرکشی گوزم نامی که از اسفندیار کینه به دل داشت، نزد شاه از او بدگویی کرد و چرب زبانی او در شاه گشتاسپ اثر کرد. اسفندیار با چهار پسر خود در شکارگاه بود، جاماسپ نزد او آمد و گفت شاه از تو خشمگین است و او را از سخنان گوزم آگاه ساخت. اسفندیار همراه جاماسپ به حضور شاه آمدند و اسفندیار گفت که طالب مرگ شاه و تصاحب تاج و تخت او نیست و چنین نیستی ندارد ولی شاه دستور داد:

به پیش آوردیدند آهنگران
غل و بند و زنجیرهای گران
(۱۳۲/۹۶۶)

چو کردند زنجیر در گردنش
بفرمود بسته بدر بردنش
(۱۳۲/۹۷۰)

فرستاد سوی دژ گنبدان
گرفته پس و پیش اسپهبدان
(۱۳۲/۹۷۴)

شاه گشتاسپ به مهمانی رستم و زال رفت و سرگرم بزم و شکار گردید و مرکز شاهی از فرمانروا خالی ماند. ارجاسپ باخبر شد و گفت هنگام انتقام است. سپس به فرزند خود کهرم دستور داد، به ایران بتازد. خبر هجوم لشگر به لهراسپ شاه رسید، لباس رزم پوشید و برابر سپاه دشمن آمد و داد مردی داد و بسیار کس از دم تیغ گذراند و سرانجام:

به خاک اندر آمد سر تاج دار برو انجمن شد فراوان سوار
(۱۴۰/۷۱-۷۲)

گشتاسپ شاه زنی هوشمند داشت در بلخ مانده بود.

از ایران ره سیستان برگرفت از آن کارها مانده اندر شگفت
(۱۴۱/۹۲)

شاه را از هجوم ترکان آگاه ساخت. گشتاسپ با سپاه عازم توران شد و ارجاسپ به مقابله با او رفت. دو لشگر به هم رسیدند و جنگ درگرفت. بسیاری از سپاه ایران در آن نبرد سخت جان باختند. در این شرایط گشتاسپ پذیرفت، از اسفندیار یاری طلب کند. خبر به اسفندیار رسید، به میدان جنگ شتافت و انتقام نیا و برادران از سپاه ترک گرفت و در نبرد تن به تن با گرگسار پیروز شد. به دلوری‌های اسفندیار جنگ به پایان رسید و شاه از اسفندیار خواست:

به مردی شوی در دم اژدها کنی خواهران را ز ترکان رها
سپارم تو را تاج شاهنشاهی همان گنج بی رنج و تخت مهی
(۱۴۵/۴۸۶-۴۸۷)

گرگسار نیز پذیرفت که اسفندیار را به سوی روین دژ که ارجاسپ در آن مستقر است راهنمایی کند.

بحث و بررسی

ریخت‌شناسی شخصیت‌های داستان گشتاسپ بر مبنای الگوی شاخص و وضعیت

جدول نام و شناسه شخصیت داستان گشتاسپ (SH-6-2)

| نام شخصیت | شناسه | نام شخصیت | شناسه |
|-----------|----------|-----------|-----------|
| گشتاسپ | SH-6-2/1 | بستور | SH-6-2/15 |
| کتاپون | SH-6-2/2 | اسفندیار | SH-6-2/16 |
| زردشت | SH-6-2/3 | گرزم | SH-6-2/17 |
| دیو | SH-6-2/4 | ستوه | SH-6-2/18 |
| ارجاسپ | SH-6-2/5 | لهراسپ | SH-6-2/19 |

| | | | |
|-----------|---------------|-----------|----------|
| SH-6-2/20 | همسرگشتاسپ | SH-6-2/6 | بیدرفش |
| SH-6-2/21 | اردشیر پهلوان | SH-6-2/7 | نامخواست |
| SH-6-2/22 | فرشیدورد | SH-6-2/8 | جاماسپ |
| SH-6-2/23 | خشاش | SH-6-2/9 | اردشیر |
| SH-6-2/24 | هوش دیو | SH-6-2/10 | شیدسپ |
| SH-6-2/25 | کهرم | SH-6-2/11 | گرامی |
| SH-6-2/26 | گردوی | SH-6-2/12 | نیوزار |
| SH-6-2/27 | اورمزد | SH-6-2/13 | شیرو |
| | | SH-6-2/14 | زریر |

گزارش شناسه‌گذاری ریخت‌شناسی شخصیت‌های داستان گشتاسپ بر مبنای الگوی شاخص و

وضعیت به شرح زیر بررسی می‌شود:

| شناسه | ریخت‌شناسی اشخاص |
|------------|---|
| SH-6-2/1: | A3- B1- C3- D1- E2- F6- G1- H1/5/7/8/9- K3- M3- N1. |
| SH-6-2/2: | A2- B3- C1- D1- E1- F6- G4- H4/10- K3- M1- N1. |
| SH-6-2/3: | A2- B1- C4- D1- E2- F5- G10- H1/4- K3- M1- N3 |
| SH-6-2/4: | A5- B1- C4- D3- E2- F7- G10- H11- K4- M4- N3. |
| SH-6-2/5: | A3- B2- C3- D1- E2- F6- G1- H1/7/9- K3- M2- N1. |
| SH-6-2/6: | A2- B2- C3- D1- E2- F7- G8- H2/7/9/11- K3- M2- N2. |
| SH-6-2/7: | A2- B2- C4- D1- E2- F7- G8- H2/11- K4- M4- N3 |
| SH-6-2/8: | A3- B1- C4- D1- E2- F6- G6- H1/4/8/11- K3- M1- N3. |
| SH-6-2/9: | A3- B1- C4- D1- E2- F3- G2- H9- K4- M1- N2. |
| SH-6-2/10: | A2- B1- C1- D1- E2- F3- G2- H9- K4- M1- N2. |
| SH-6-2/11: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G10- H2/9- K4- M1- N2. |
| SH-6-2/12: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H9- K4- M1- N2. |
| SH-6-2/13: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H9- K4- M1- N2 |
| SH-6-2/14: | A2- B1- C3- D1- E2- F6- G2- H2/9- K3- M1- N2. |
| SH-6-2/15: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H2/8/9- K3- M1- N3. |
| SH-6-2/16: | A3- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H8/9- K3- M1- N1. |
| SH-6-2/17: | A2- B1- C4- D1- E2- F7- G8- H1/7/9- K4- M2- N2 |
| SH-6-2/18: | A2- B2- C4- D1- E2- F7- G10- H8/11- K4- M4- N3. |
| SH-6-2/19: | A2- B1- C3- D1- E2- F5- G1- H4/9- K3- M3- N2. |
| SH-6-2/20: | A5- B1- C4- D1- E2- F7- G4- H4/11- K3- M1- N3. |
| SH-6-2/21: | A2- B1- C3- D1- E2- F6- G8- H4/9- K4- M1- N3. |

| شناسه | ریخت‌شناسی اشخاص |
|------------|---|
| SH-6-2/22: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H2/9- K4- M1- N2. |
| SH-6-2/23: | A2- B2- C4- D1- E2- F7- G8- H9- K4- M4- N3. |
| SH-6-2/24: | A2- B2- C4- D1- E2- F7- G8- H2/9- K4- M4- N3. |
| SH-6-2/25: | A2- B2- C3- D1- E2- F6- G2- H2/9- K4- M4- N1. |
| SH-6-2/26: | A2- B1- C3- D1- E2- F7- G8- H2/9- K4- M4- N3. |
| SH-6-2/27: | A2- B1- C3- D1- E2- F3- G2- H2/9- K4- M1- N2. |

گزارش داده‌های الگوی شاخص و وضعیت داستان گشتاسپ

با توجه به داده‌های بخش قبل، در این مرحله شاخص‌ها و وضعیت‌ها بر اساس جنبه‌های گوناگونی بسامدهای بالا و پایین و برهم خوردن تعادل هر شاخص و وضعیت بررسی و گزارش می‌شود.

گزارش شاخص «A»: نام‌شناسی

A1: -

A2: SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/19, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (20=74.07%)

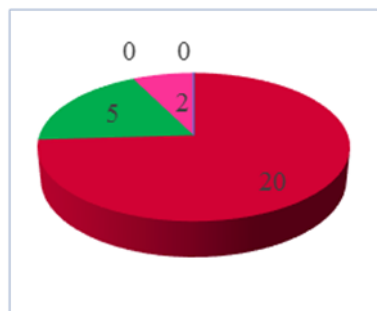
A3: SH-6/2/1, SH-6/2/5, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/16. (5=18.51%)

A4: -

A5: SH-6/2/4, SH-6/2/20. (2=7.4%)

- Max: A2 (20=74.07%).

- Min: A5 (1=3.7%).



نمودار شاخص A

گزارش شاخص «B»: زادبوم‌شناسی

B1: SH-6/2/1, SH-6/2/3, SH-6/2/4, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/17, SH-6/2/19, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (19=70.37%)

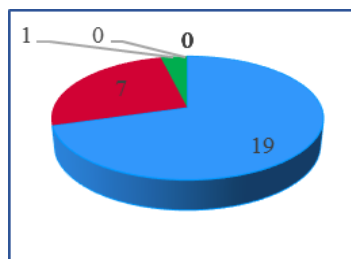
B2: SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/18, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25. (7=25.92%)

B3: SH-6/2/2. (1=3.7%)

B4: - B5: - B6: - B7: -
 B8: - B9: - B10: - B11: -
 B12: - B13: -

- Max: B1 (19=70.37%)

- Min: B3 (1=3.7%)



نمودار شاخص B

گزارش شاخص «C»: شمایل‌شناسی

C1: SH-6/2/2, SH-6/2/10. (2=7.4%)

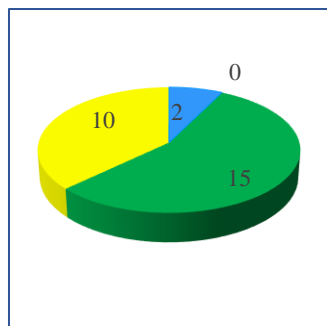
C2: -

C3: SH-6/2/1, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/19, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (15=55.55%)

C4: SH-6/2/3, SH-6/2/4, SH-6/2/7, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/20, SH-6/2/23, SH-6/2/24. (10=37.03%)

- Max: C3 (15=55.55%).

- Min: C1 (2=7.4%).



نمودار شاخص C

گزارش شاخص «D»: نوع‌شناسی

D1: SH-6/2/1, SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/19, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27.

(26=96.29%)

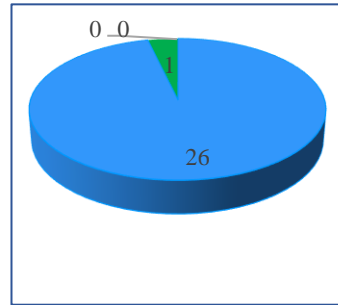
D2: -

D3: SH-6/2/4. (1=3.7%)

D4: -

- Max: D1 (26=96.29%).

-Min: D3 (1=3.7)



نمودار شاخص D

گزارش شاخص «E»: جنس‌شناسی

E1: SH-6/2/2. (1=3.7%)

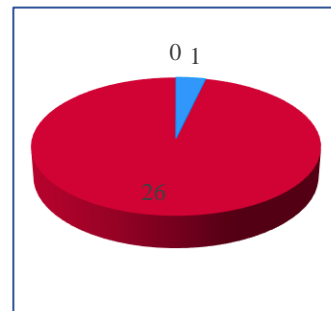
E2: SH-6/2/1, SH-6/2/3, SH-6/2/4, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/19, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27.

(26=96.29%)

E3: -

- Max: E2 (26=96.29%).

- Min: E1 (1=3.7%).



نمودار شاخص «E»: جنس‌شناسی →

گزارش شاخص «F»: سن‌شناسی

F1: - F2:

F3: SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/22, SH-6/2/27. (9=33.33%)

F4: -

F5: SH-6/2/3, SH-6/2/19. (2=7.4%)

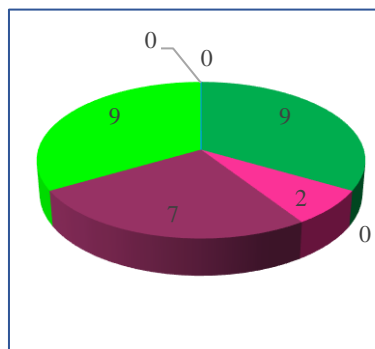
F6: SH-6/2/1, SH-6/2/2, SH-6/2/5, SH-6/2/8, SH-6/2/14, SH-6/2/21, SH-6/2/25. (7= 25.92%

F7: SH-6/2/4, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/20, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/26.

(9=33.33%)

- Max: F3, F7 (9=33.33%).

- Min: F5 (2=7.4%).



گزارش شاخص «G»: طبقه‌شناسی

G1: SH-6/2/1, SH-6/2/5, SH-6/2/19. (3=11.11%)

G2: SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/22, SH-6/2/25, SH-6/2/27. (10=37.07%)

G3: -

G4: SH-6/2/2, SH-6/2/20. (2=7.4%)

G5: -

G6: SH-6/2/8. (1=3.7%)

G7: -

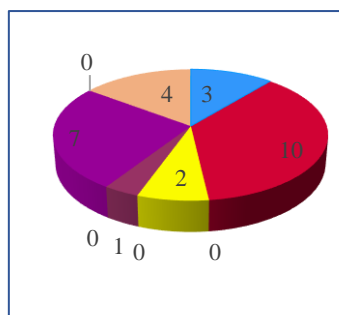
G8: SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/17, SH-6/2/21, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/26. (7=25.92%)

G9: -

G10: SH-6/2/3, SH-6/2/4, SH-6/2/11, SH-6/2/18. (4=14.81%)

- Max: G2 (10=37.07%).

- Min: G6 (1=3.7%).



نمودار شاخص «F»: سن‌شناسی

گزارش تنوع کنش در شاخص «H»: کنش‌شناسی (در مجموع ۵۸ کنش)

H1: SH-6/2/1, SH-6/2/3, SH-6/2/5, SH-6/2/8, SH-6/2/17. (5=8.62%)

H2: SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/11, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/22, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (10=17.24%)

H3: -

H4: SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/8, SH-6/2/19, SH-6/2/20, SH-6/2/21.
(6=10.34%)

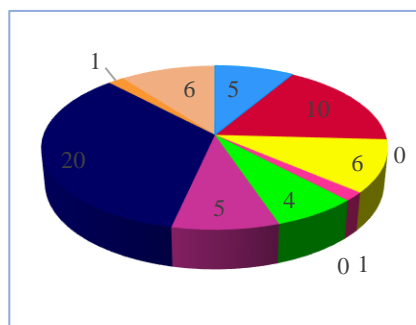
H5: SH-6/2/1. (1=1.72%)

H6: -

H7: SH-6/2/1, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/17. (4=6.89%)

H8: SH-6/2/1, SH-6/2/8, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/18. (5=8.62%)

H9: SH-6/2/1, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/17, SH-6/2/19, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27.
(20=34.48%)



H10: SH-6/2/2. (1=1.72%)

H11: SH-6/2/4, SH-6/2/6, SH-6/2/7, SH-6/2/8, SH-6/2/18, SH-6/2/20.
(6=10.34%)

Max: H9 (20=34.48%)

- Min: H5, H10 (1=1.72%).

گزارش تعدد کنش در شاخص «H»: کنش‌شناسی

H (1S): SH-6/2/4, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/23. (7=25.92%)

H (2S): SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/7, SH-6/2/11, SH-6/2/16, SH-6/2/18, SH-6/2/19, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (14=51.85%)

H (3S): SH-6/2/5, SH-6/2/15, SH-6/2/17.
(3=11.11%)

H (4S): SH-6/2/6, SH-6/2/8. (2=7.4%)

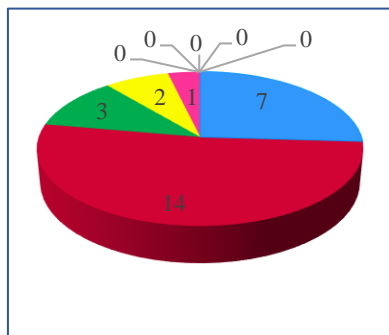
H (5S): SH-6/2/1. (1=3.7%)

H (6S): - H (7S): - H (8S): -

H (9S): - H (10S): -

- Max: H (2S): (14=51.85%).

- Min: H (5S): (1=3.7%).



نمودار تعدد کنش در شاخص «H»

گزارش شاخص «K»: باورشناسی

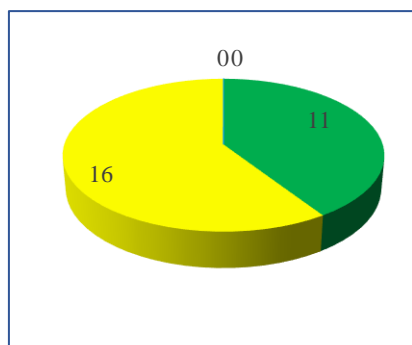
K1: - K2: -

K3: SH-6/2/1, SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/8, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/19, SH-6/2/20. (11=40.74%)

K4: SH-6/2/4, SH-6/2/7, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/17, SH-6/2/18, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26, SH-6/2/27. (16=59.25%)

- Max: K4 (16=59.25%).

- Min: K3 (11=40.74%).



گزارش شاخص «M»: خُلق‌شناسی

M1: SH-6/2/2, SH-6/2/3, SH-6/2/8, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/15, SH-6/2/16, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/22, SH-6/2/27. (15=55.55%)

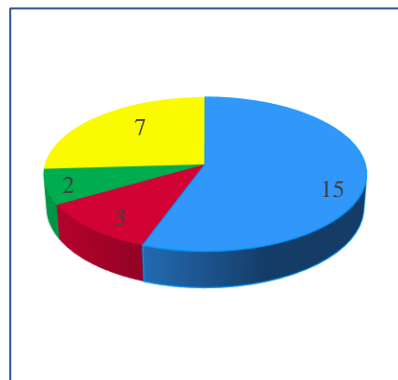
M2: SH-6/2/5, SH-6/2/6, SH-6/2/17. (3=11.11%)

M3: SH-6/2/1, SH-6/2/19. (2=7.4%)

M4: SH-6/2/4, SH-6/2/7, SH-6/2/18, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/25, SH-6/2/26. (7=25.92%)

- Max: M1 (15=55.55%).

- Min: M3 (2=7.4%).



نمودار گزارش شاخص «M»

گزارش شاخص «N»: فرجام‌شناسی

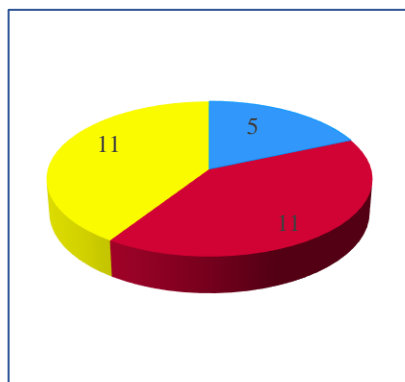
N1: SH-6/2/1, SH-6/2/2, SH-6/2/5, SH-6/2/16, SH-6/2/25. (5=18.51%)

N2: SH-6/2/6, SH-6/2/9, SH-6/2/10, SH-6/2/11, SH-6/2/12, SH-6/2/13, SH-6/2/14, SH-6/2/17, SH-6/2/19, SH-6/2/22, SH-6/2/27. (11=40.74%)

N3: SH-6/2/3, SH-6/2/4, SH-6/2/7, SH-6/2/8, SH-6/2/15, SH-6/2/18, SH-6/2/20, SH-6/2/21, SH-6/2/23, SH-6/2/24, SH-6/2/26. (11=40.74%)

- Max: N2, N3 (11=40.74%).

- Min: N1 (5=18.51%).



تحلیل نهایی

الگوی شاخص و وضعیت برای شخصیت‌پردازی بر اساس کنش‌مندی افراد معیارهایی چون نام، جغرافیای مکانی، ویژگی‌های جسمانی، مرتبه اجتماعی، کنش افراد، آیین و باور، خُلق و فرجام را در نظر گرفته است، تا به شخصیت‌ها هویتی مستقل از داستان ببخشد. پس از بررسی شخصیت‌های داستان گشتاسپ از منظر الگوی شاخص و وضعیت به جمع‌بندی، تحلیل و نتیجه‌گیری از اطلاعات می‌پردازیم.

۱. در شاخص «نام‌شناسی» داستان، $74/07\%$ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «A2» قرار دارد. این حجم شامل همه جنگاوران، فرماندهان، سرداران و پهلوانان می‌شود، که تنها با نام خطاب شده‌اند. و $3/7\%$ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «A5» هستند و از نظر نام اشخاص بدون نامی هستند، که با عناوین توصیفی مانند غلام، فرستاده، نام حیوانات و موجودات افسانه‌ای خطاب شده‌اند و فردوسی در این حجم نمونه از نام و لقب استفاده نکرده است. $18/51\%$ در وضعیت «A3» با نام و لقب معرفی شده‌اند، که این خطاب منحصر به پادشاهان، شاهزادگان و پهلوانان است. وضعیت «A1» خطاب با لقب و «A4» خطاب با شغل در داستان موجود نیست.

۲. در شاخص «زادبوم‌شناسی» داستان، $70/37\%$ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «B1» متعلق به سرزمین ایران و در شاخص «B2» $25/92\%$ متعلق به سرزمین توران است. فردوسی به دلیل تعلق به ایران بیشترین بهره را از این سرزمین برده است و به دلیل اختلافات بین دو منطقه، توران بعد از ایران قرار دارد. به دلیل حضور کتیون همسر غیرایرانی گشتاسپ، $3/7\%$ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «B3» از سرزمین روم هستند.

۳. در شاخص «شمایل‌شناسی» داستان، $55/55\%$ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «C3» تومند و پهلوان توصیف شده‌اند و نشان از توصیف پهلوانان در صحنه نبرد را دارد. $7/4\%$ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «C1» زیبا توصیف شده‌اند، این گروه در طبقه پادشاهان، شاهزادگان، شاهدخت و شهبانو قرار دارند. وضعیت «C4» با $37/03\%$ افراد بدون توضیح شمایل هستند. در شاخص «C» شمایل‌شناسی، رابطه مستقیمی میان افراد با وضعیت «C1» شمایل زیبا و محتوای عاشقانه شاهنامه موجود است. به صورتی که هر جا سخن از زیبایی به ویژه زیبایی زنان به میان است، قصه عشق و دلدادگی است.

۴. در شاخص «نوع‌شناسی» داستان، ۹۶/۲۹٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «D1» و انسان هستند و ۳/۷٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «D3» دیو و جن قرار دارند، که از حضور دیو و جن و شخصیت جادویی و افسانه‌ای در کنار نوع انسانی در سراسر شاهنامه خبر می‌دهد. وضعیت «D2» و «D4» حیوانات و موجودات جادویی در داستان حضور ندارند.

۵. در شاخص «جنس‌شناسی» داستان، ۹۶/۲۹٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «E2» مذکر و ۳/۷٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «E1» مؤنث هستند و نشان از آن است، که بخش پهلوانی شاهنامه به لحاظ فضای جنسیتی شخصیت‌ها بخشی مردانه است. البته زنان نیز با تعداد کمتر در شخصیت‌های اصلی و غیرا اصلی حضور به موقع و پیرنگی دارند. جنسیت نامعلوم با شناسه «E3» در داستان موجود نیست. در شاخص «E» جنس‌شناسی، رابطه مستقیمی میان جنسیت افراد با محتوای حماسی شاهنامه موجود است. به صورتی که هر جا فضای داستان مردانه است، سراسر جنگ و نبرد و لشکرکشی است.

۶. در شاخص «سن‌شناسی» داستان، ۳۳/۳۳٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «F3» یعنی شخصیت جوان قرار دارند که حجم نمونه جوان در طبقه شاهزادگان، شاهدخت و شهبانو هستند و سپس وضعیت «F7» که رده سنی بدون توضیح است و نشان می‌دهد، توجه به جزئیات سنی در عموم شخصیت‌های پهلوانی شاهنامه وجود ندارد و درصد زیادی بدون مشخصه هویت سنی هستند و بیشتر آنها در طبقه جنگاوران قرار دارند. ۲۵/۹۲٪ در وضعیت «F6» در چند دوره زندگی هستند، که به علت توالی حضور شخصیت‌ها در داستان‌های پهلوانی شاهنامه این دسته افراد با قرار گرفتن در طبقه پادشاهان، پهلوانان و سرداران حکومتی در چند دوره از جوانی تا میان‌سالی در طول داستان حضور دارند. ۷/۴٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «F5» پیر و کهنسال هستند. سه وضعیت «F1» کودک و «F2» نوجوان و «F4» میانسال در داستان حضور ندارند.

۷. در شاخص «طبقه‌شناسی» داستان، ۳۷/۰۷٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «G2» شاهزادگان هستند و ۳/۷٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «G6» وزیران هستند. ۲۵/۹۲٪ در شاخص «G8» طبقه جنگاوران قرار دارند. وضعیت «G1» پادشاه با ۱۱/۱۱٪، «G4» شهبانوان با ۷/۴٪ و «G10» سایر طبقات با ۱۴/۸۱٪ در داستان حضور دارند.

۸. در شاخص «کنش‌شناسی» و مطابق گزارش «تنوع کنش» در این داستان، ۳۴/۴۸٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «H9» جنگاوری و ۱۰/۳۴٪ در وضعیت «H4» کنش یاریگری و

۸۹/۶٪ در وضعیت «H7» کنش شرارت هستند. واضح است که به خاطر نبرد در داستان، کنش شرارت و جنگاوری وجود دارد. وقتی در مسیر داستان شخصیت‌های اصلی گرفتار می‌شوند، افرادی به یاری آنها می‌شتابند، به طور معمول پهلوانان یاریگر پادشاهان هستند ولی در کنار پهلوانان، در این داستان اسفندیار به یاری پدر می‌شتابد. کنش «H11» پیام‌رسانی و «H8» فرمانبری، کنش «H1» بسترسازی، کنش «H2» فرماندهی نیز از دیگر کنش‌های لازم در صحنه جنگ است. ۷۲/۱٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «H5, H10» کنش غفلت کردن و فرزندآوری قرار دارند که کنش «H10» فرزندآوری کنش مادران شاهنامه است. کنش ماجراجویی «H3» و کنش نافرمانی «H6» در داستان کاربرد ندارد. در شاخص «کنش‌شناسی» علاوه بر تنوع کنش افراد تعدد کنش نیز بررسی می‌گردد، مطابق گزارش «تعدد کنش» در این داستان، ۸۵/۵۱٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «H(2S)» هر فرد با تعدد دو کنش و ۷/۳٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «H(5S)» هر فرد با تعدد پنج کنش هستند. بررسی این داده نشان می‌دهد، که شخصیت‌های حجم نمونه در مسیر داستان به لحاظ تعدد کنش، کم کنش هستند و فقط گشتا سپ با پنج کنش بیشترین تعدد کنشگری را به خود اختصاص داده است.

۹. در شاخص «باورشناسی» داستان، ۲۵/۵۹٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «K4» بدون باور و ۷۴/۴۰٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «K3» باور با کنش و گفتار شخص هستند. در این شاخص داده‌های آماری در وضعیت «K1» اشاره راوی به باور شخص و «K2» باورشناسی با اشاره شخصیت صفر هستند. وضعیت «K4» بدون باور بودن شخصیت‌ها سهم بیشینه را به خود اختصاص داده است و نشان از آن دارد، که در داستان‌ها به بیان باورهای شخصیت‌های غیراصولی توجهی نشده است. وضعیت «K3»، توضیح باور با کنش و گفتار شخص بیان می‌کند، شخصیت‌های شاهنامه باور خود را با کنش و گفتار ابراز می‌کنند. پادشاهان و پهلوانان و شاهزادگان در مسیر فراز و فرود داستان یا در صحنه‌های رویارویی و مبارزه به ویژه با موجودات غیرانسانی، در هر مرحله قبل از آغاز نبرد از یزدان کمک و یاری می‌طلبند و نیایش می‌کنند و در پایان نیز شاکر و سپا سگزار عبور از سختی‌ها هستند و به کمک گفتار و نوع رفتار باور آنها برای خواننده قابل درک و بررسی است.

۱۰. در شاخص «خلق‌شناسی» داستان، ۵۵/۵۵٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «M1» خلق پسندیده و ۴/۷٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «M3» خلق پسندیده و ناپسند هستند. در داستان با تعداد قابل توجهی شخصیت خوب و مثبت با خلق و خوی پسندیده مهربانی،

گذشت، یاریگری، مخالفت با جنگ و ستیزه‌مواجه هستیم. در وضعیت «M3»، شخصیت‌ها در مسیر داستان از یک سو چهره مثبت و پسندیده دارند و از سوی دیگر شاهد رفتارهای ناپسندی از آنها هستیم، که این افراد نه به طور کامل مثبت و نه منفی هستند. در وضعیت «M2»، خلق ناپسندیده با ۱۱/۱۱٪ افرادی در داستان حضور دارند که از نادانی و یا از سردشمنی کاملاً منفی هستند و در راه رسیدن به خواسته‌های پلید خود از هیچ بدکاری کوتاهی نمی‌کنند. ۲۵/۹۲٪ با شناسه «M4» بدون تعریف اخلاق در داستان حضور دارند.

۱۱. در شاخص «فرجام‌شناسی» داستان، ۴۰/۷۴٪ شخصیت‌ها به عنوان بیشینه در وضعیت «N2» فرجام شر و «N3» بدون فرجام و ۱۸/۵۱٪ شخصیت‌ها به عنوان کمینه در وضعیت «N1» فرجام خیر هستند. در شاخص «N» فرجام‌شناسی، شناسه «N1» فرجام خیر با ۱۸/۵۱٪ سرانجام خیر و نیک برای شخصیت‌های داستان را نشان می‌دهد، که پایان خیر برای پادشاهان، برخی پهلوانان، شهبانوان و شاهدختان رقم خورده است. در مقابل شناسه «N2» نشان از سرانجام شر است، که بیشتر این حجم نمونه از جنگاوران هستند، که در صحنه‌های نبرد با کشته شدن به دست سپاهیان مقابل سرانجام شر برای آنها رقم خورده است. همچنین افراد دارای خلق بد که با عنادورزی خود سرانجام شومی برای خود رقم می‌زنند. فرجام شر در مقابل فرجام خیر در شاخص «N» در حجم بیشتری قرار دارد و در داستان بررسی شد که بیشتر اشخاص با کشته شدن در میدان نبرد، سرنوشت خوبی برای آنها رقم نخورده است. وضعیت «N3» که افراد بدون فرجام هستند، این حجم نمونه، رابطه معنادار مابین شاخص‌های الگو را نمایانگر می‌کند. این افراد همان شخصیت‌هایی هستند، که در شاخص‌های مختلف در وضعیت «A5» بی‌نامی، «C4» بی‌شمایلی، «F7» بدون هویت سنی، «G10» بدون طبقه، «K4» بی‌باور و «M4» بدون خلق قرار داشتند. این گروه پایانی بدون فرجام دارند و معمولاً شخصیت‌های لحظه‌ای داستان هستند، که در بخش کوتاهی با کنشی چون یاریگری، پیام‌رسانی، نافرمانی از آنها نامی برده می‌شود و بعد از آن در روند داستان دیگر نامی از آنها نیست و نشان از بی‌توجهی فردوسی به شخصیت‌های غیر اصلی داستان است.

نتیجه‌گیری

شاخص و وضعیت، الگوی بررسی و تحلیل شخصیت‌هاست که بر پایه چند شاخص و تعدادی وضعیت ثابت می‌کند که شخصیت‌ها نیز مانند داستان‌ها و حکایات می‌توانند، ریخت‌شناسی شوند. این الگو برای شخصیت‌پردازی بر اساس کنش‌مندی افراد معیارهایی چون نام، جغرافیای مکانی، ویژگی‌های جسمانی، مرتبه اجتماعی، کنش افراد، آیین و باور، خلق و فرجام را در نظر گرفته است تا

به شخصیت‌ها هویتی مستقل از داستان ببخشد. نام در نوع انسانی مشخصه هر فرد است و نخستین عاملی که تشخیص او را سهولت می‌بخشد، مرتبه اجتماعی موجب تمایز میان شخصیت‌ها و تفاوت‌های اجتماعی می‌شود، ویژگی‌های جسمانی امکان شناسایی افراد را فراهم می‌کند و مجموعه این ویژگی‌ها کنار هم قرار گرفته است تا خلق و خو، معایب و محاسن اشخاص را آشکار و آنها را به شکل مستقل بررسی نماید. با بررسی داستان گشتاسپ بر اساس الگوی شاخص و وضعیت، این الگو در جایگاه یک روش ساختاری بومی این امکان را فراهم نمود که با شناخت دقیق شاخص همه شخصیت‌های داستان، روابط ساختاری بین آنها کشف شود و روابط اشخاص داستان گشتاسپ با کل سازه روایت به شکل زیر تبیین گردد:

۱. ریخت‌شناسی شخصیت‌های داستانی در کنار ریخت‌شناسی داستان‌ها، روابط میان شاخص‌های شخصیت و عناصر داستانی را مشخص می‌نماید و با توجه به تعداد مشخص متغیرها، داده‌ها قابلیت بررسی دقیق آماری و ارائه نموداری می‌یابد.

۲. در بررسی و اجرای الگوی شاخص و وضعیت در داستان گشتاسپ بین شاخص‌های نوع‌شناسی، جنس‌شناسی با کنش‌شناسی؛ نام‌شناسی با طبقه‌شناسی؛ خلق‌شناسی با فرجام‌شناسی رابطه معناداری وجود دارد. آن‌گونه که با توجه به فضای پهلوانی و مبارزه‌ای، زنان کمترین فعالیت و مردان بیشترین حضور را دارا هستند، هر چه کاربرد نام و لقب بیشتر باشد، نشان از طبقه و رده اجتماعی بالاتر فرد دارد و ویژگی‌های خلقی مثبت و منفی افراد در فرجام‌شناسی و پایان داستان زندگی آنها تأثیر مستقیم دارد.

۳. عنصر شخصیت از عناصر مهم داستان‌پردازی در شاهنامه است و شخصیت‌های شاهنامه واجد خصلت‌های اجتماعی، روانی، فکری منحصر به فردی هستند که در برابر حوادث واکنش‌ها و رفتارهای مطابق با شخصیت خود بروز می‌دهند. کاربرد روش الگوی شاخص و وضعیت بر داستان گشتاسپ موجب شد، ویژگی‌ها و کنش و واکنش شخصیت‌های داستان از دنیای اسطوره و حماسه اغراق‌آمیز خارج شده، با تصویری زنده و ملموس مطابق با واقعیت و بر مبنای شاخص‌های الگوی ریخت‌شناسی بومی پردازش و تحلیل شود.

۴. استفاده از الگوی بومی و ایرانی («شاخص و وضعیت») و کاربرد نظریه داخلی برای بررسی متون ادب فارسی، منجر به شناخت بهتر و بیشتری از بسترهای فرهنگی و ادبیات داستانی داخلی گردید.

منابع

الف) کتابها

- آبرامز، ام. اچ. (۱۳۹۴). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. ترجمه سعید سبزیان. چاپ دوم. تهران: انتشارات رهنما.
- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*. اصفهان: نشر فردا.
- ارسطو. (۱۳۳۷). *هنر شاعری*. ترجمه فتح‌الله مجتبیایی. تهران: نشر اندیشه.
- براهنی، رضا. (۱۳۹۳). *قصه‌نویسی*. چاپ پنجم. تهران: نشر البرز.
- راس، ا. آلن. (۱۳۷۳). *روان‌شناسی شخصیت‌ها (نظریه‌ها و فرآیندها)*. ترجمه سیاوش جمال‌فر. تهران: انتشارات بنیاد بعثت.
- عبداللهیان، حمید. (۱۳۸۰). *شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر*. تهران: نشر آن.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۶). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان. تهران: نشر قطره.
- کادن، جان آنتونی. (۱۳۸۷). *فرهنگ ادبیات و نقد*. ترجمه کاظم فیروزمند. تهران: نشر شادگان.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). *عناصر داستان*. تهران: نشر سخن.
- یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۴). *هنر داستان‌نویسی*. تهران: نشر نگاه.

ب) مقالات

- رحیم‌خانی سامانی، احمد و حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۶). «ریخت‌شناسی شخصیت‌های حکایت علاء‌الدین ابوشامات از هزارویک‌شب بر مبنای الگوی شاخص و وضعیت». در متن‌شناسی ادب فارسی، سال پنجاه و سوم، دوره جدید. شماره ۳. پیاپی ۳۵. صص ۹۷-۱۱۸.
- فورجانی‌زاده، شکوه. خراسانی، محبوبه. رشیدی، مرتضی. (1398). «نگاهی به کاربرد نادرست و مکانیکی نظریه ریخت‌شناسی پراپ در متون ادب فارسی». در فصل‌نامه نقد ادبی، دوره تابستان، سال دوازدهم، شماره 46. صص 155-187.